

تاریخ ایران (۱)

اسناد سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد

متن کامل ۱۷ سند تازه منتشر شده

مترجم: بهرنگ رجبی

به کوشش: امیر قربانی

تاریخ ایران (۱)

اسناد سیاه درباره کودتای ۲۸ مرداد

متن کامل ۱۷ سند تازه منتشر شده

مترجم: بهرنگ رجبی

به کوشش: امیر قربانی

نام کتاب : اسناد سیاه درباره کودتای ۲۸ مرداد ؛ متن کامل ۱۷ سند تازه منتشر شده (تاریخ ایران ۱)

مترجم : بهرنگ رجیبی

به کوشش : امیر قربانی

طراح جلد و صفحه آرا : امیر قربانی

تاریخ نشر الکترونیک : شهریور ماه ۱۳۹۵

www.book-house.blogspot.com

(وبلاگ خانه کتاب با رسالتی جدید شروع به کار دوباره کرد)

با تشکر از :

www.ketabnak.com

www.tarikhirani.ir

فهرست

مقدمه	۵
مجلس نباید منحل شود	۶
سند شماره ۱	۶
سند شماره ۲	۱۰
بیانیه آمریکا پس از یک کودتای موفق را آماده کنید	۱۳
سند شماره ۳	۱۳
سند شماره ۴	۱۴
سند شماره ۵	۱۶
سند شماره ۶	۱۶
از نیروهای عملیات آژاکس تقدیر می شود	۱۸
سند شماره ۷	۱۸
سند شماره ۸	۱۹
سند شماره ۹	۲۰
سند شماره ۱۰	۲۱
شاه با اعدام مصدق موافقت کرد	۲۳
سند شماره ۱۱	۲۳
سند شماره ۱۲	۲۴
سند شماره ۱۳	۲۵
سند شماره ۱۴	۲۶
سند شماره ۱۵	۲۷
مصدق! تو داری آوازه ما را نابود می کنی	۲۹
سند شماره ۱۶	۲۹
سند شماره ۱۷	۳۱

مقدمه

۲۸ مرداد امسال (۱۳۹۲)، در شصتمین سالروز کودتای سال ۱۳۳۲، آرشیو امنیت ملی ایالات متحده، که نهادی است غیرانتفاعی و غیردولتی، ۱۷ سند تازه منتشر کرد از مجموعه مراسلات آمریکایی‌ها در جریان رخداد‌های سال ۱۳۳۲؛ اسنادی که این پژوهشگاه بر پایه قانون آزادسازی اطلاعات به دست آورده بود. خبر این اسناد تازه همان روز انتشار در رسانه‌های ایران هم بازتاب گسترده‌ای یافت و تقریباً همه روزنامه‌ها و وبسایت‌های خبری به آن پرداختند، اما هیچ‌جا هیچ اشاره‌ای به مفاد و محتوای این اسناد تازه منتشر شده نشد، مطلقاً هیچ‌یک دو جایی هم که به نام «متن اسناد تازه» چیزهایی منتشر کردند، به اشتباه به اسنادی پرداختند که پیش‌ترها منتشر شده بودند، نه این اسناد تازه. اکنون طی چند بخش متن همه این ۱۷ سند تازه را منتشر می‌کند.

اسناد اصلی را می‌توانید در ضمیمه‌های همراه کتاب مشاهده نمایید .

مجلس نباید منحل شود

۱- رفراندوم انحلال مجلس هفدهم و پیشنهاداتی به نمایندگان مخالف

در این نخستین سند، کریمت روزولت، طراح و مجری آمریکایی کودتای ۲۸ مرداد، جا به جا اشاره‌هایی به نامه آیزنهاور دارد، نامه‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا بعد از به بن‌بست رسیدن مذاکرات نفتی میان ایران و بریتانیا، در پاسخ به درخواست مصدق برای گرفتن کمک‌های مالی از ایالات متحده، به نخست‌وزیر ایران نوشت. آیزنهاور در این نامه که محرمانه بود، درخواست مصدق را رد کرد اما سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، نامه را به رسانه‌ها داد و بدین ترتیب مخالفان مصدق روحیه گرفتند و به موفقیتشان امیدوارتر شدند.

سند شماره ۱

۱۴ ژوئیه ۱۹۵۳ [۲۳ تیر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

۱. این اطلاعات روز ۱۳ ژوئیه به دست آمده:

[حذف شده]

آ. فراکسیون جبهه ملی روز ۱۲ ژوئیه جلسه دو ساعته‌ای توفانی داشت و به این نتایج رسید:
۱. مصدق از فراکسیون جبهه ملی می‌خواهد اعضایش جلسات آتی مجلس را تحریم کنند و پیشنهادش اعلام همه‌پرسی است برای مشخص کردن اینکه آیا «مردم» مایلند او در منصبش بماند یا نه.

۲. [احمد] رضوی پیشنهاد این رویه را داد و گفت: «تا این جایش» از مصدق حمایت می‌کند اما تمایلش به تعطیل کردن مجلس نیست.

۳. جر و بحث‌ها در مورد این قضیه آنقدر شدید و پر تب و تاب بود که ادامه‌اش موکول شد به ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ ژوئیه.

ب. متعاقب جلسه‌ای که اشاره شد، [حسین] مکی دیداری پنهانی داشت با [عبدالله] معظمی و رضوی، و هر سه نفرشان سر این قضیه توافق داشتند که نامهٔ رئیس‌جمهور آیزنهاور جایگاه مصدق را سخت تضعیف کرده. معظمی و رضوی گفتند «اگر وضعیت این قدر بد» باشد، تمایل آن‌ها به «خلاص شدن از شر» مصدق است اما تأکید داشتند جانشین مصدق یکی از اعضای جبههٔ ملی باشد. مکی اصرار می‌کرده گرفتن تصمیم در این باره موکول شود به بعد از ۳۰ تیرماه (۲۱ ژوئیه)، سالگرد تلاش قوام برای سرنگونی مصدق.

پ. مصدق در گفت‌وگویی محرمانه با [عباس] مسعودی، ناشر روزنامهٔ اطلاعات، به او گفت: ۱- نامهٔ آیزنهاور «به ایران آسیبی نزد بلکه آسیب جدی و بسیار زیاد زد به وجههٔ آمریکا در ایران»، با لحنی «بسیار خشمگینانه».

۲. دولت برای برگزاری تظاهرات مردمی انبوه در روز ۳۰ تیرماه (۲۱ ژوئیه) «آماده شده».

۳. مصدق قصد رفتن به مجلس در روز ۱۴ ژوئیه [۲۳ تیرماه] برای شرکت در جلسهٔ برنامه‌ریزی شدهٔ استیضاحش ندارد چون «آن‌ها (مخالفان) می‌خواهند من را بکشند». مصدق عوضش برنامه دارد مجلس را تعطیل کند و صلاهی همه‌پرسی عمومی بدهد.

[حذف شده] نامهٔ آیزنهاور تأثیری شگفت و مهیب داشته و الان مطبوعاتی‌های مجلس و اعضای سیاست خارجی علیه مصدق شده‌اند. جایگاه او در بحرانی‌ترین وضعیت همهٔ دوران حرفه‌ای‌اش است. تنها سلاح باقی مانده برایش اختیار و قدرت دستگیر کردن افراد است. من منتظرم از روز ۱۴ ژوئیه دستگیری‌های گستردهٔ مخالفان شروع شود. هر گونه تلاشی از سوی

مصدق برای بستن و تعطیل کردن مجلس «قطعا» نمایندگان را از او رویگردان خواهد کرد؛ «آنها نمی‌خواهند کار و موضع پرنفوذشان را از دست بدهند.»

۲. این اطلاعات روز ۱۳ ژوئیه به دست آمده:

تحولات جاری که ممکن است روی نقشه تأثیر بگذارند:

۱. مصدق تهدید می‌کند به انحلال مجلس و برگزاری همه‌پرسی.
۲. مطابق گزارش‌ها فراکسیون جبهه ملی معتقد است دولت باید در جلسه استیضاح شرکت کند و پاسخگو باشد اما شایعه شده برای جلوگیری از باز شدن پای مخالفان به این قضیه، دارند آماده استعفا یا غیبت در جلسات مجلس می‌شوند.
۳. مصدق احتمالا به تظاهراتی «مجوز» بدهد که منشی ضد آمریکایی خواهد داشت.
۴. ظرف ۴۸ ساعت، مصدق در رادیو سخن خواهد گفت و مساله را با مردم مطرح خواهد کرد.
۵. مردم خواهان اخراج وارن، مدیر اداره اصل چهار، بروس وابسته مطبوعاتی سفارت [ایالات متحده]، تعطیلی سفارت ایالات متحده و دیگر تاسیسات ایالات متحده [در ایران] هستند، و ایالات متحده را متهم می‌کنند علیه ایران به بریتانیا پیوسته است.
۶. حزب توده چند هزار [دلار] به جشنواره جوانان [در رومانی] کمک مالی کرده، جشنواره‌ای که شرکت‌کنندگان روز ۹ ژوئیه گردهم آمدند و هنوز هم ادامه دارد.
۷. حزب توده «کمیته برگزاری مراسم سالگرد ۲۱ ژوئیه (۳۰ تیرماه)» تشکیل داده و تصمیم دارد در آن روز تظاهراتی عمومی سر و سامان بدهد.

۳. شب ۱۱ ژوئیه، پسر [حذف شده] این [حذف شده] را گفت:

آ. نامه آیزنهاور مخالفان را بسیار دلگرم کرده.

ب. فخر، نماینده مستقل مجلس، دارد تلاش می‌کند با پسر زاهدی ارتباط برقرار کند، دیداری که انتظار می‌رفت شب ۱۳ یا ۱۴ ژوئیه انجام شود.

پ. زاهدی حمله رماتیسمی و نفرس داشته و چند سالی درگیر این بیماری‌ها بوده اما الان در وضعیت سلامت است و روحیه خوبی دارد.

ت. روز ۱۱ ژوئیه مصدق «دستورات محرمانه فوری» برای وزیر دارایی فرستاد تا دویست هزار ریال (دو هزار دلار) به وزارت کشور «جهت چاپ اوراق» پرداخت کند. مخالفان معتقدند اشاره او به برگه‌های همه‌پرسی‌ای بوده که فکر می‌کنند مصدق قصد برگزاری‌اش را دارد، در تلاش برای بروز و نشان دادن اینکه پشتیبانی مردمی دارد.

۴. تاریخ این گزارش رسیده ۱۲ ژوئیه است [حذف شده].

۱. نماینده پایگاه پرسید آیا این شایعه پایه‌ای دارد که شاه عازم خارج است یا نه. این منبع گفت شاه بسیار از نامه آیزنهاور دلگرم شده و معتقد است الان غیبتش از ایران به صلاح نیست و حتی ملکه هم در این نظر موافقش است، ملکه‌ای که اکنون سفر اخیر خودش به اسپانیا را هم اشتباهی بزرگ می‌پندارد. اگر مصدق فشارش را از نو تجدید کند، احتمالاً شاه تا فرو نشستن توفان صرفاً برخواهد گشت به سواحل خزر.

۲. اگر مصدق بخواهد خود شاه پیش‌قدم انحلال مجلس بشود و این کار را بکند، او زیر بار نخواهد رفت. با این حال بسیار تردید هست در این باره که مصدق چنین درخواستی به شاه بدهد، چون این یعنی پذیرش و تصدیق اینکه شاه اختیار و قدرت نه «سلطنت» که «حکمرانی» دارد.

۵. این گزارش به تاریخ ۱۴ ژوئیه [حذف شده]

۱. مقامات دولتی در اداره پست تهران همه نسخه‌های روزنامه‌های ارسالی مخالفان به استان‌ها و شهرستان‌ها را نابود می‌کنند.

۲. در مجلس، اکنون مخالفان شامل ۲۰ نماینده‌اند که سفت و سخت سرسپرده زاهدی هستند و ۱۱ نماینده که با او همکاری می‌کنند.

۳. فخر، از نماینده‌های مستقل و خسرو قشقایی، نماینده طرفدار جبهه ملی، اکنون متزلزل شده‌اند و گرایش‌هایی یافته‌اند به سمت مخالفان.

سند شماره ۲

۱۵ ژوئیه ۱۹۵۳ [۲۴ تیر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

۱. عطف به قضیه استعفای فراکسیون جبهه ملی و اقدام احتمالی مصدق برای انحلال مجلس، این پیام دربرگیرنده واکنش‌هایی پیشنهادی است به این اتفاقات.

۲. مخالفان باید به هر وسیله‌ای روی این قضیه تأکید کنند که جمع باقی مانده مجلس قانونی و کانون دموکراتیک حکومت است که جلوی دیکتاتوری مصدق ایستاده. هر تعداد از نماینده‌های مجلس که ممکن است، باید بگویند مجلس هنوز زنده و برپا است و هر تعدادشان که می‌شود ترغیب کرد، باید در مجلس بست بنشینند و انجام کارهایشان را ادامه بدهند. لازم است موافقت

شود که برای دستیابی به این هدف پول خرج کنیم و همچنین مشخص شود کی دقیقاً چه کاری بکند.

۳. باید این بحث حقوقی مطرح شود که وقتی به عوض ۱۳۶ نماینده، ۸۰ نفرشان حاضرند، مجلس قانونی است، پس دلیلی ندارد با ۳۰ نفر هم قانونی نباشد.

۴. نماینده‌های مخالف باید در اولین زمان ممکن جلسه بگذارند و بعد متصدیان و کمیته‌های تازه انتخاب کنند. بعد نمایندگان فراکسیون جبهه ملی را به واسطه آئین‌نامه‌های داخلی، معاف از شرکت در جلسات کنند و با این اقدام معضل حد نصاب را حل کنند چون آن وقت می‌شود تعداد نماینده‌های برگزیده‌ای که معاف از شرکت در جلسات نیستند.

۵. پیامد موارد سه و چهار این هم هست که مخالفان اعلام خواهند کرد استعفای فراکسیون [جبهه ملی] غیرقانونی است چون مطابق قواعد آئین‌نامه‌های داخلی مجلس انجام نشده.

۶. بعد باقی‌مانده مجلس باید آماده باشند در جلساتشان در صورت اشاره این گام‌ها را بردارند:

آ. به استناد ماده ۶۰ متمم، مصدق را به مجلس احضار کنند. وقتی تمکین نکرد، اقدامش را تقبیح کنند و مطابق ماده ۶۹ متمم ارجاعش بدهند به دادگاه عالی.

۷. پایگاه باید در ذهن داشته باشد که مطابق ماده اصلاحی ۴۸ فقط شاه اختیار انحلال مجلس را دارد و نباید اجازه داد چنین کاری صورت بگیرد. همچنین باید به خاطر داشت ماده ۵۴ متمم به شاه اختیار می‌دهد مجلس را به برگزاری جلساتی ویژه فراخواند.

۸. متوجه باشید که انجام هیچ‌کدام این پیشنهادات ساده نیست. پاسخ شما را که در اختیار داشته باشیم، بهتر می‌توان مشخص کرد برای پرداختن به قضیه مجلس چه تغییراتی باید در نقشه داد. اکنون جهت فکرها به این سمت متمایل است که اگر بتوانیم روی این قضیه تأکید کنیم که استعفای اعضای جبهه ملی قانونی نبوده و آن‌ها هنوز نماینده مجلس هستند، می‌توانیم بخواهیم شاه هم مطابق نقشه هر گاه نیاز بود، درخواست تشکیل جلسه بدهد. همچنین احساس

می‌کنم بست نشستن فوری نماینده‌ها با مفاد مربوط به بست نشستن خود نقشه هم سازگار است.

بیانیه آمریکا پس از یک کودتای موفق را آماده کنید

۲- نقشه زاهدی و مجلس برای برکناری مصدق

سند شماره ۳

۱۶ ژوئیه ۱۹۵۳ [۲۵ تیر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

این اطلاعات روز ۱۵ ژوئیه به دست آمده:

۱- زاهدی ادعا می کند نیروها و تجهیزات ارتش به فرمانش هستند و این نقشه را برای عملیات دارد:

۲- چهره‌هایی نظامی که نقش فعال ایفا می کنند:

آ. [حذف شده]

ب. [حذف شده]

پ. [حذف شده]

ت. [حذف شده]

ث. [حذف شده]

۳- نقشه عملیات (با فرض همکاری شاه):

آ. چون زاهدی هر حرکت فراقانونی را «خودکشی سیاسی» می داند و نمی خواهد، انتظار دارد پشتیبانی سلطنت را به واسطه یکی از این راه‌ها به دست بیاورد:

۱ - شاه، زاهدی را به نخست‌وزیری منصوب کند، به این دلیل که مصدق «اقدامات غیرقانونی» و از محدوده اختیاراتش تخطی کرده است.

۲ - شاه، مصدق را بدون انتصاب جانشین برکنار کند؛ زاهدی بشود فرماندار نظامی و «انتخاب نخست‌وزیر بیافتد به عهده مجلس».

۳ - شاه، زاهدی را به جای محمدتقی ریاحی به ریاست ستاد ارتش منصوب و زاهدی هم درجا ریاحی را دستگیر کند.

۴ - شاه، زاهدی را به وزیری دربار منصوب کند و امینی، وزیر کنونی دربار، درجا کنار گذاشته شود.

ب. [حذف شده]

سند شماره ۴

۱۷ ژوئیه ۱۹۵۳ [۲۶ تیر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

این اطلاعات روز ۱۶ ژوئیه از طریق پایگاه به دست آمده:

۱ - بنا به گفته یکی از نماینده‌های مخالف مجلس، «استعفا»ی روز ۱۵ ژوئیه نماینده‌های مستقل و مخالف - متعاقب اقدام مشابه اعضای فراکسیون جبهه ملی که طرفدار مصدق‌اند -

اقدامی استراتژیک «انگاشته» شده، با هدف جلوگیری از برگزاری همه‌پرسی عمومی توسط مصدق.

۲ - نمایندهٔ مخالف فکر پشت این اقدام را به این شکل توضیح داد:

آ. هدف از «استعفا»ی جبهه ملی، تعطیل کردن مجلس و به این واسطه از بین بردن نفوذ و تأثیر مخالفان در این نهاد بود.

ب. مصدق قصد داشت با «تقلب» در همه‌پرسی به تسلیم بی‌قید و شرط مخالفان برسد، همه‌پرسی‌ای که نتیجه‌اش تبدیل شدن او به یک دیکتاتور کامل بود.

پ. در مورد «استعفا»ی دیگر نمایندگانی که «بیشترشان دارند در نهان علیه دیکتاتوری می‌جنگند»، این اقدام به ظاهر الزام به عملی کردن نقشه‌های همه‌پرسی را از دوش مصدق برداشت.

ت. به گفتهٔ این منبع، «برگ برنده»ی مخالفان این است که استعفاها جز در صورت طرح شدن در صحن مجلس و پذیرش از سوی جمع نمایندگان، قانونی نیست. بنابراین در وضعیت فعلی نکته این است که هیچ‌کس استعفا نداده و می‌توان جلسات مجلس را هر زمان که برگزاریشان لازم است، دوباره برقرار کرد - مثلاً جهت اقدام مجلس برای انتصاب نخست‌وزیر تازه.

۳ - نمایندهٔ مخالف توضیح داد ۱۵ نمایندهٔ شکل دهندهٔ «هستهٔ سخت» مخالفان توافق کرده‌اند هر ساعتی [حذف شده] وارد مجلس بشوند، «تا زمانی که کسی جانشین مصدق شود». او گفت مخالفان در دیدار اول بعدازظهر روز [حذف شده] به این توافق رسیده‌اند. برنامه این است:

آ. نماینده‌ها در ساختمان مجلس خواهند ماند.

ب. [حذف شده]

پ. [حذف شده]

۴ - او همچنین گفت:

آ. مخالفان پشتیبانی مالی ای دارند که من نمی دانم از کجا است.

ب. مخالفان توافق کردند در تظاهرات روز ۲۱ ژوئیه [۳۰ تیرماه] بیرون از خیابان‌ها و در خانه بمانند.

سند شماره ۵

۲۲ ژوئیه ۱۹۵۳ [۳۱ تیر ۱۳۳۲]

به: آقای والر

از طرف: [نام فرستنده حذف شده]

از من خواسته شده به شما بگویم آقای روزولت می خواهند شما و آقای ویلبر مسوولیت تهیه و آماده سازی بیانیه رسمی آمریکا را متعاقب یک کودتای «موفق» برعهده بگیرید.

سند شماره ۶

۵ اوت ۱۹۵۳ [۱۴ مرداد ۱۳۳۲]

[نام گیرنده و فرستنده حذف شده]

این متن پیشنهادی وزارت امور خارجه [ایالات متحده] است: «وضعیت کنونی ایران از مدت‌ها پیش مایه نگرانی بسیار ما بوده است. ظاهراً تنش‌های فزاینده سیاسی و اقتصادی مردم را سوق داد تا تحت رهبری شاه‌شان دولتی تازه طلب کنند. در ایران تحولات سرعتی بسیار بالا دارد و با اینکه ما وضعیت را به دقت زیر نظر داریم، در حال حاضر بنیانی بسنده برای اظهارنظری جامع در این باره نداریم. چون شاه دولت تازه را تأیید کرده، ما می‌پنداریم (یا «ما خرسندیم مطابق بیانیه‌های دولت تازه اشاره کنیم») که دولت تازه سیاست حفظ استقلال ایران و ارتقای سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی را پی خواهد گرفت، سیاستی که خواست همیشگی ایالات متحده برای ایران بوده. دولت [آمریکا] مدت‌ها است پی کمک به ایران برای حفظ تمامیت ارضی، سلامت اقتصاد و جایگاهش در جمع ملل آزاد بوده. از زمان جنگ به این سو، دولت‌های پیشین ایران کمک آمریکا را داشته‌اند. در صورتی که دولت تازه طالب کمک آمریکا باشد و چنان که ما امیدواریم، قصد کار در جهت منافع حداکثری ایران را داشته باشد، ایالات متحده انتظار دارد بتواند کماکان کمک‌هایش را گسترش بدهد و در بهبود توان ایران برای جلوگیری از خرابکاری‌های کمونیست‌ها همکاری کند.»

از نیروهای عملیات آژاکس تقدیر می‌شود

۳- حزب توده پس از کودتا

سند شماره ۷

صرفاً جهت رؤیت

۲۰ اوت ۱۹۵۳ [۲۹ مرداد ۱۳۳۲]

نامه برای: مدیر عملیات سازمان اطلاعات مرکزی

موضوع: تقدیرنامه پیشنهادی برای نیروهای ارتباطی که در عملیات تی پی آژاکس خدمت کردند.

۱ - به من پیشنهادی شده که از صمیم قلب تأیید و در قالب توصیه‌ای جهت اعمال منتقلش می‌کنم به شما؛ اینکه نیروهایی ارتباطی که در عملیات تی پی آژاکس خدمت کردند، به شکلی خاص از طرف شما تقدیر شوند. اگر شما موافقید که چنین تقدیری لازم است، قدردان خواهم بود که من و نیروهایم را هم در زمره تقدیرشوندگان می‌آورید، مایی که ساعت‌های مدید کار دشوار نیروهای ارتباطی را زیر نظر داشتیم.

۲ - حتم دارم شما از حجم بی‌اندازه عظیم ارتباطاتی که این عملیات نیازمندش بود، باخبرید. عوامل ارتباطی درگیر در عملیات خودشان را با نیرو و بهره‌وری مشهودی وقف آن کردند. اگرچه من از همه نکات و حقایق آگاه نیستم اما حتم دارم بسیاریشان، ساعاتی اضافی و سراسر طول شب‌ها را کار کردند. فقط یک مثال از شور و حرارتی که مشخصه فعالیت‌های این نیروها بود، این نکته است که در نخستین پیام‌های ارسالی دیروز از تهران، مهلت تخمینی ما برای دریافت پیغام را نزدیک دو ساعت به هم ریختند (اول وقت زمانی را که ما انتظار داشتیم پیامی از آنها پیش‌اروی خودمان داشته باشیم). من همچنین بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم و خرسند

شدم از رفتار جدی و سریع نیروها در قبال آن پیام شبانه به مدیر [نام شخص حذف شده] که در موردش به شما زنگ زدم.

۳ - پیشنهاد من این خواهد بود که شما موضوع این تقدیرنامه^۱ پیشنهادی را با ژنرال هکلاند مطرح بکنید تا از طرف ایشان در مورد همه^۲ عوامل درگیر، هم اینجایی‌ها و هم آن‌ها که در میدان عملیات خدمت کردند، کاری انجام شود. اگر با این پیشنهاد موافقید، من خوشحال خواهم شد با امضای شما متنی برای این تقدیرنامه تنظیم کنم، مگر اینکه ترجیح بدهید خودتان این کار را انجام بدهید.

فرانک جی. ویزنر

قائم‌مقام مدیر (دایره^۳ طرح‌ها)

سند شماره ۸

۲۶ اوت ۱۹۵۳ [۴ شهریور ۱۳۳۲]

نامه برای: واحد سی‌ان‌ای‌ای [واحد عملیاتی امور مرتبط با حوزه^۴ خاور نزدیک و آفریقا]

موضوع: تقدیرنامه

۱ - با اینکه شما قدردانی‌تان را از کار پشتیبانی ستاد و به خصوص کار جان والر، [حذف شده] سی‌ان‌ای‌ای، ابراز کرده‌اید باید رسماً و مشخصاً به اطلاعاتان برسانم قرار است از جان والر بابت کارش در عملیات تی‌پی‌آژاکس تقدیر شود.

۲ - از زمانی که کار این عملیات شروع شد و پیش رفت تا زمان انجامش که اوج کار بود تا در مدت مرحله متعاقبش، او در پشتیبانی از نیروهای عملیاتی حاضر در منطقه، از خودش سطحی بالا از پشتکار، هوش و قدرت تصمیم‌گیری نشان داده است. او برای فعالیت‌های انجام شده در طی عملیات دل سوزانده و کار پشتیبانی‌ای درخور این ستاد انجام داده. او همچنین توانایی بالایی برای تعامل با افسران ارشد وزارت امور خارجه نشان داده و از راهنمایی‌های آنها بهره گرفته. در همه مدت عملیات، او آرامش و واقع‌نگری‌ای را حفظ کرد که اثرش در رسیدن ما به نتیجه‌ای موفق در عملیات هیچ کم نبود.

فرانک جی. ویزنر

قائم‌مقام مدیر (دایره طرح‌ها)

سند شماره ۹

صرفاً جهت رؤیت

۲۶ اوت ۱۹۵۳ [۴ شهریور ۱۳۳۲]

نامه برای: [حذف شده]

موضوع: تقدیرنامه

عطف به: نامه ۲۴ اوت آقای والر به قائم‌مقام مدیر با همین موضوع

آقای ویزنر از من خواستند به شما بگویم ایشان در مورد پیامدهای امنیتی تقدیرنامه سی‌ای‌ای به گرفتاری‌هایی برخورد کرده که [باقی نامه حذف شده].

سند شماره ۱۰

۱۰ سپتامبر ۱۹۵۳ [۱۹ شهریور ۱۳۳۲]

[عنوان مخاطب نامه حذف شده]

موضوع: فعالیت‌های دولت زاهدی بر ضد حزب توده

عطف به: [حذف شده]

۱ - نخست‌وزیر زاهدی وظیفه نظارت و انجام برنامه سرکوب حزب توده را در سراسر ایران، به سرتیپ [فرهاد] دادستان، فرماندار نظامی تهران، محول کرده.

۲ - بنا به همین امر، از روز ۵ سپتامبر [۱۴ شهریور ماه] دادستان ۴۱۲ نفر از اعضای حزب توده را دستگیر کرده، از جمله‌شان: مرتضی قاسمی، داوود نوروزی و محمود ژندی که به نظر دادستان از اعضای کمیته مرکزی حزب توده‌اند.

۳ - اعضای عادی دستگیر شده حزب توده قرار است به لرستان تبعید شوند.

۴ - سه انبار اسلحه و «چندین» چاپخانه حزب توده تصرف شده.

۵ - دادستان ادعا می‌کند به «بخشی از» ستادهای حزب توده حمله شده و اسناد به دست آمده از آن‌ها منتقل شده به رکن دو ارتش.

۶ - حزب توده الان در داخل سفارتخانه شوروی دارد روزنامه‌هایی چاپ می‌کند. این روزنامه‌ها را از طریق ماشین‌های دیپلماتیک منتقل می‌کنند به دفتر نمایندگی روسیه [؟ کلمه بدخوان است و با تردید به «روسیه» برگردانده شده]. آنجا روزنامه‌های حزب توده را دسته‌دسته می‌کنند و رویشان شماره‌هایی از روزنامه‌های اطلاعات و کیهان می‌گذارند. بعد ماشین‌های دیپلماتیک این

روزنامه‌ها را می‌برند به چهار مرکز پخش: جوادیه (نزدیک ایستگاه راه‌آهن)، مفت‌آباد (نزدیک فرودگاه دوشان‌تپه)، کارخانه آبجوسازی مجیدیه و یک مرکز نامشخص دیگر. در این مراکز، دسته‌های روزنامه‌ها را می‌اندازند توی جیب‌هایی بدون جواز که می‌روند روزنامه‌ها را توی خیابان‌ها می‌ریزند و پخش می‌کنند.

۷- الان در درون دولت وزرا عموماً موافق اخراج اعضای حزب توده از وزارتخانه‌های دولتی‌اند. وزرا اعضای حزب توده را نمی‌شناسند و باید آن‌ها را پیدا کنند. زاهدی کماکان دارد برای این کار بهشان فشار می‌آورد.

(نظر واشنگتن [حذف شده] برای اطلاعات بیشتر در مورد دیدگاه‌های سرلشکر زاهدی دربارهٔ این موضوع).

۸- فعالیت حزب توده الان زیرزمینی است اما دارد تلاش می‌کند ائتلافی با عناصر طرفدار مصدق تشکیل بدهد. دادستان مؤکداً می‌گوید ائتلاف مصدق - توده را از هم گسسته و اینکه بازار هم دیگر مصدق را رها کرده. دادستان با دقت منابع مالی احتمالی را که ممکن است به حزب توده کمک کنند، زیر نظر دارد.

مدیر عملیاتی واحد امور خاور نزدیک و آفریقا

شاه با اعدام مصدق موافقت کرد

۴- حکم مصدق قبل از محاکمه

سند شماره ۱۱

۲۱ سپتامبر ۱۹۵۳ [۳۰ شهریور ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

[چند خط حذف شده]

۱ - دو نفر از معاونان ستاد ارتش، سرهنگ [حسن] اخوی و سرتیپ [حبیب‌الله] دیهیمی، دارند توطئه می‌کنند رئیس ستاد ارتش، [تیمسار نادر] باتمانقلیچ، را از منصبش بیندازند تا سرلشکر [حسن] ارفع جانشینش شود. [حذف شده] هدف تبدیل کردن ارفع است به یک [سپهد حاجعلی] رزم‌آرای دیگر.

[حذف شده]

[حذف شده] گفت‌وگویی با نخست‌وزیر زاهدی این نکات را آشکار کرد:

۱ - دولت ایران آیت‌الله بهبهانی را پشتیبانی مالی می‌کرده. زاهدی می‌خواهد به نامزدهای پیشنهادی بهبهانی شغل‌هایی پایین‌تر از مناصب کلیدی بدهد. با این حال جعفر، پسر بهبهانی، مسند وزارت اقتصاد ملی را می‌خواهد. گماشتن او به چنین منصبی ناممکن است و نتیجهٔ ناکامی نخست‌وزیر در انجام این کار، سردی رابطه میان او و بهبهانی را پیش آورده است.

۲ - [ابوالحسن] عمیدی نوری، معاون نخست‌وزیر، کمک‌های بسیاری به زاهدی کرده و در صورتی که «کار اشتباهی نکند»، کنار گذاشته نخواهد شد.

۳ - قرار است هرگاه منصب دیگری برای سرهنگ پایدار پیدا شد، او از ریاست پلیس مخفی کشور کنار گذاشته شود.

۴ - احتمالاً در آینده نزدیک سرلشکر [مهدی‌قلی] علوی مقدم از ریاست شهربانی کنار گذاشته خواهد شد.

۵ - [جعفر] شریف امامی، سرپرست برنامه هفت ساله توسعه، دستور داده در واحد زیر نظر او، انتصابات که فسادشان آشکار شده، تغییر کنند. اگر دستورات نخست‌وزیر به سرعت محقق نشود، شریف امامی رفتنی است.

[حذف شده]

سند شماره ۱۲

۲۴ سپتامبر ۱۹۵۳ [۲ مهر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

[حذف شده]

۱ - زاهدی قصد دارد اعلامیه‌ای رسمی بدهد و در آن حزب توده، مصدق نخست‌وزیر پیشین و دیگرانی را با خرابکاری روز ۲۲ سپتامبر در هواپیماهای نیروی هوایی ایران مرتبط معرفی کند.

۲ - مشاوران نزدیک زاهدی دارند او را تحریک می‌کنند بابت ماجرای خرابکاری، فوراً [تیمسار نادر] باتمانقلیچ، رئیس ستاد ارتش را برکنار کند.

۳ - زاهدی دلش می‌خواهد شاه معاونان ستاد ارتش، سرهنگ [حسن] اخوی و سرتیپ [حبیب‌الله] دیهیمی را برکنار کند، اما ترجیح می‌دهد به باتمانقلیچ یک هفته فرصت بدهد تا ارتش را از عناصر نامطلوب پاک کند.

۴ - زاهدی مایل است منصب نخست‌وزیری را برای خودش نگه دارد تا بتواند انتخابات مجلس آینده را کنترل کند.

۵ - زاهدی پنج بار پیغام فرستاده برای شاه و از او خواسته دستور بدهد دادگاه نظامی مقدمات اعدام مصدق و دیگران را فراهم کند. شاه هنوز موافقت نکرده است.

۶ - زاهدی روز ۲۳ سپتامبر ساعت دو بعدازظهر به وقت تهران با سرلشکر [عبدالله] هدایت، وزیر دفاع ملی و باتمانقلیچ دیدار داشته تا دستور دهد اعضای حزب توده و دیگر عناصر خطرناک موجود ظرف یک هفته از نیروهای مسلح پاکسازی بشوند.

سند شماره ۱۳

۲ اکتبر ۱۹۵۳ [۱۰ مهر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

[حذف شده]

۱ - شاه تصمیم گرفته که مصدق، نخست‌وزیر پیشین، باید محاکمه و به اعدام محکوم شود، اما هنوز تصمیم نگرفته بعدش باید مصدق را با حکم حکومتی عفو و درجا از ایران تبعید کرد یا اینکه باید درجا اعدام شود.

۲ - شاه معتقد است هرگونه تأخیری در خلاص شدن از شر مصدق از پی محاکمه او به معنای دعوت از حزب توده (و طرفداران مصدق) به ضد حمله در لوای شعاری چون «جان مصدق را نجات دهید» خواهد بود.

۳ - در صورت بروز اقدامی از سوی حزب توده (نگاه کنید به بالا، بند ۲) پیش از صدور رأی دادگاه مصدق، شاه دستور داده نگهبانان مصدق درجا او را بکشند.

۴ - شاه بابت گزارشی که به دستش رسیده، آشفته است، گزارشی که می‌گوید حزب توده ظرف ۳۰ روز آتی حمله‌ای انجام خواهد داد.

سند شماره ۱۴

۹ اکتبر ۱۹۵۳ [۱۷ مهر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

[حذف شده]

۱ - روز ۶ اکتبر نخست‌وزیر زاهدی گفت به نظر او تعطیل کردن مجلس سنا توسط مصدق نخست‌وزیر پیشین، به رغم فرمان شاه غیرقانونی بوده، چون مجلس سنا جزئی جدایی‌ناپذیر از قانون اساسی ایران است.

۲ - سناتورها به زاهدی قول داده‌اند تا پیش از تشکیل مجلس، جلسه رسمی‌ای برگزار نکنند.

۳ - زاهدی و حسین مکی، از نماینده‌های طرفدار زاهدی در مجلس، اختلافاتی شدید بر سر روند پیشنهادی بازگشایی مجلس سنا داشته‌اند. مکی تهدید کرده هر سناتوری را که بخواهد در جلسه مجلس سنا شرکت کند، «کتک» خواهد زد. زاهدی گفته اگر مکی تعرضی به سناتورها بکند، دستور خواهد داد او را با تیر بزنند.

۴ - زاهدی روز ۲۶ سپتامبر [۴ مهرماه] ده هزار تومان (تقریباً ۱۲۰۰ دلار) و باز روز ۳ اکتبر [۱۱ مهرماه] پنج هزار تومان (تقریباً ۶۰۰ دلار) به آخوند بهبهانی پول داده است.

سند شماره ۱۵

۲۰ اکتبر ۱۹۵۳ [۲۸ مهر ۱۳۳۲]

[نام گیرنده حذف شده]

از طرف: آقای روزولت

[حذف شده]

۱ - ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۰ اکتبر، نخست‌وزیر زاهدی در خانه آخوند کاشانی با او دیدار کرد. در این دیدار لحن طرفین دوستانه بوده است.

۲ - کاشانی از دو نماینده، حسین مکی و دکتر مظفر بقایی، انتقاد کرده و گفته کار کردن با دومی سخت است. شمس قنات‌آبادی هم که در جلسه حاضر بوده، با این گفته کاشانی موافقت کرده است.

۳ - [حذف شده] زاهدی دارد تلاش می‌کند از طریق جلب نظر کاشانی، او را از دیگر رهبران جبهه ملی که خودش را احیا کرده، دور کند و در این جبهه شکاف بیندازد.

مصدق! تو داری آوازه ما را نابود می کنی

۵ و پایانی - مقالات سیا در روزنامه های ایران

این دو سند آخر، نمونه هایی هستند از یادداشت ها و مقالاتی که سی آی ای تولید می کرد تا بعد از ترجمه به فارسی، در مطبوعات ایران منتشر شوند؛ مطبوعاتی که از مأموران آمریکا یا عاملان داخلی اش پول می گرفتند و بخشی از بازوی تبلیغاتی سی آی ای در طرح و تحقق کودتا بودند. هیچ کدام از دو سند تاریخ ندارند اما به احتمال زیاد متعلق به تابستان ۱۳۳۲ هستند.

سند شماره ۱۶

منش ملی ما

از زمانی که خارجی ها به ایران آمده اند - از روزگار شاه عباس - در کتاب هایشان که در ایتالیا، آلمان، فرانسه و انگلستان منتشر شده، بسیار تحسین ها از ایرانی ها کرده اند. تعریف هایی والا از ما کرده اند و ما را در زمره آداب دان ترین و مهمان نوازترین مردمان دنیا گذارده اند. به خوانندگانشان در اروپا و آمریکا گفتند ما در برابر مهمانانمان آداب دانیم، مردمانی روادار از نژاد و مذهبی دیگر. شاردن فرانسوی موشکاف ماجراهای ایران، گفته ای ژرف درباره این خصلت آداب دانی دارد. این مسافر فرنگی ایران ما را مردمانی نجیب و مهربان خوانده که فرهنگ غنی شگفت انگیزی داریم - مردمانی که دوست دارند ساعت هایی مدید را به معاشرت های دوستانه بگذرند اما از هر جور خشونت فیزیکی بیزارند. نوشتند ایرانیان عاشق شعر، هنر و زیبایی اند و از بی نزاکتی و رفتارهای گستاخانه نفرت دارند.

ایرانیان افتخار می کنند به آوازه ما در بیرون مرزهایمان و اعتقاد دارند این آوازه به حق است. در گذشته روزگاری بوده که ما در خور آوازه مان زندگی نکرده ایم. شرمساریمان را به یاد داریم

بابت آنچه سال‌ها پیش بر سر سرگرد ایمبری آمد، وقتی چند نفری معدود سنت‌های مهمان‌نوازی و رواداری ما را از یاد بردند. ما مدت‌ها است عزم کرده‌ایم چنین رخدادهایی دیگر در کشورمان تکرار نشوند.

اما از زمانی که مصدق دیکتاتور با حزب توده شوروی‌ها متحد شده، چه رخ داده؟ به عوض مشرب خوش و آداب‌دانی سنتی ما، گستاخ شده‌اند و دوستی از یاد برده‌اند. بعضی مردمان در خیابان‌هایمان به خارجی‌ها توهین کرده‌اند. به عوض رواداری سنتی‌مان، ایرانی‌ها دارند هر روز بیش از پیش در برابر مردمی که متفاوت از ما هستند، رفتارهای زننده می‌کنند.

بعضی مردمان ما حتی تا جایی پیش رفته‌اند که به صورت همسر سفیر آرژانتین اسید پاشیده‌اند. به عوض نجابت سنتی ما و بیزاریمان از خشونت، ایرانی‌ها دارند بدل می‌شوند به آدم‌هایی که داد و بیداد می‌کنند و رفتارهای زمخت دارند و متوسل می‌شوند به خشونت فیزیکی. بعضی آدم‌هایمان به خارجی‌ها حمله کرده‌اند و به ماشین خارجی‌ها سنگ زنده‌اند و در روزهای اخیر بارها شده که مردممان با همدیگر دعوا کرده‌اند و گلاویز شده‌اند — حتی در مجلس. اکنون آوازه کهن ما دارد در اروپا و آمریکا نابود می‌شود. گزارش شده به وزیر [امور خارجه] ایالات متحده، جان فاستر [دولت، توصیه شده از کشور ما دیدار نکند چون خطر خشونت جسمی در قبالش هست.

از زمان اتحاد میان مصدق دیکتاتور و حزب توده، آداب‌دانی، مهمان‌نوازی و رواداری ایرانی‌ها کمتر شده. رفتار ایرانی‌ها زمخت، خشن و غیردوستانه شده. بسیاری از مردمانمان دارند بیشتر شبیه بلشویک‌ها رفتار می‌کنند تا ایرانی‌ها. مصدق دیکتاتور، تو داری منش مردم ایران را فاسد می‌کنی. تو خصلت‌هایی که ما ایرانی‌ها را بدل به مردمانی بزرگ کرده، کنار گذاشته‌ای و داری آوازه ما را در بیرون مرزهایمان نابود می‌کنی.

بسیاری از ما — اما نه آن اندازه‌مان که کافی باشد — از تاکتیک‌های ریشه‌ای کمونیست‌ها در ایران برای تخریب و بی‌اعتبار کردن هر آنچه این کشور را متحد نگه داشته، مطلعیم، چیزهایی چون پیوندهای خانوادگی و حرف‌شنوی از والدین، احترام به نظم و قانون، وفاداری به دولت

و به تاج و تخت. اگر آن‌ها بتوانند منش و خصلت‌های ما را فاسد کنند، از پس آن، دیگر باقی آنچه می‌خواهند، به آسانی محقق خواهد شد. این دام بزرگی است که مصدق در آن افتاده، پیوستن به کمونیست‌ها برای ترغیب و تشویق ما به رفتار زمخت، زشت و خارج از نزاکت. ما ایرانی‌ها باید دست برداریم از رفتار کردن شبیه بلشویک‌ها و به منش ملی سستی‌مان وفادار بمانیم.

سند شماره ۱۷

سرویس جاسوسی مصدق

مصدق می‌گوید او منجی ایران است، اما برای این منجی بودن کارهای غریبی کرده است. مصدق می‌گوید می‌خواهد ایران را از دست ارتش نجات بدهد و از بودجه ارتش زده و افسرهای ارتش و مردم را از همدیگر متنفر کرده. اما بسیاری از ما به یادمان هست پیش از آنکه ارتش داشته باشیم، ایران چطور بود. بسیاریمان به یاد داریم حملات و تاراج‌های ایلات و عشایر را. بسیاریمان به یاد داریم روستاهای سوخته را، کالاهای دزدیده را، راهزنانی را که به تجار و مسافران می‌زدند. ما مایلیم از مصدق بپرسیم چطور می‌خواهد بدون ارتش، ایران را از شر ایلات و عشایر نجات بدهد. ما فکر می‌کنیم از دوستان خویش، خان‌های جانی قشقایی، خواهد خواست از ما حفاظت کنند.

مصدق می‌گوید ایران را از شر زمین‌داران نجات خواهد داد، اما مبالغه عظیمی از زمین‌دارانی چون امینی‌ها پول گرفته. ما هم می‌خواهیم ایران را از شر زمین‌داران نجات بدهیم اما با خودمان فکر کردیم پس مصدق با این پول چه می‌کند؟ آیا از آن برای کمک به کشاورزانمان استفاده می‌کند تا بتوانند برای خودشان زمین بخرند؟ نه! مصدق این پول را به کار می‌گیرد سرویس جاسوسی مخصوص خودش را راه بیندازد. آیا جاسوسی حزب توده شوروی‌ها را می‌کند که

سعی کردند آذربایجان ایران را برابند؟ نه! او جاسوسی دوستانش را می کند که کمک کردند نهضت ملی به قدرت برسد و کمک کردند ایران دوباره نفتش را به دست بیاورد.

جاسوس های مصدق به واسطه پاییدن از خانه های حکیمی، شایگان، مکی، دکتر بقایی، حائری زاده و شمس قنات آبادی از ایران حفاظت می کنند. به واسطه پاییدن خانه های آیت الله کاشانی، آیت الله بهبهانی، ملاحسن فلسفی، نواب صفوی و مسجد شاه از اسلام حفاظت می کنند. به واسطه پاییدن ستادهای حزب ایران، نیروی سوم، حزب سومکا و حزب آریا ما را در برابر بلشویسم حفظ می کنند. به واسطه جاسوسی از روزنامه های «تهران مصور»، «جبهه آزاد»، «کیهان»، و «مرد آسیا» از ما در برابر تبلیغات دشمن حفاظت می کنند. به واسطه پاییدن باشگاه افسران و خانه سرهنگ ریاحی، از ارتش ما حفاظت می کنند.

آیا این روش تو است برای نجات ایران، مصدق؟ ما می دانیم تو می خواهی چی را نجات بدهی؟ تو می خواهی دیکتاتوری مصدق را در ایران نجات بدهی!